

ناوک نگاه

آمد بهار و دامن صحرا گرفته ایم
از دست لاله ساغر صهبا گرفته ایم

با خوشدلی نشستیم به خلوتسرای دوست
مستی از آن دو نرگس شهلا گرفته ایم

هر دم نظر به چهره ی زیبایش وا کنیم
داد دل از عجزه ی دنیا گرفته ایم

مهرت ز ما دریغ مدار ای غزال مست
یک امشب که در دل تو جا گرفته ایم

تا چون غبار بر سر راهت نشستیم
سد نظر ز چشم گهرزا گرفته ایم

دوشینه در خیال به بام تو بر شدیم
صد بوسه زان صنوبر بالا گرفته ایم

هر تیر می زنی بزن از ناوک نگاه
ما سینه را به شوق مهیا گرفته ایم

رضا شاپوریان
پنجشنبه اول جولی ۱۹۹۹